



وزارت جهاد کشاورزی

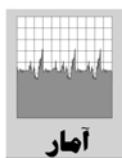
موسسه پژوهش‌های برنامه ریزی،
اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی

خبرنامه اقتصاد کشاورزی در ایران و جهان

شماره ۳۸
۱۳۸۹/۷/۲۵



معرض کتابها
و آثار منتشره



آمار



معرض سمینارها
و کنفرانس‌ها



اخبار کوتاه

واکنش‌های سیاستی اقتصادهای نوپا در پاسخ به نوسانات بین‌المللی قیمت کالاهای کشاورزی

این تحقیق واکنش‌های سیاستی و تاثیرات و پیامدهای آن‌ها را در کشورهای آرژانتین، برزیل، شیلی، چین، هند، اندونزی، روسیه، آفریقای جنوبی، اوکراین و ویتنام مورد بررسی قرار داده است. هدف از این تحقیق (الف) بررسی و طبقه‌بندی واکنش‌های سیاستی کوتاه مدت در این کشورها در پاسخ به افزایش قیمت کالاهای کشاورزی در طی سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۶ و (ب) تحلیل تاثیرات این واکنش‌ها در بازارهای داخلی است تا میزان کارایی آنان در چنین شرایطی مشخص گردد.

برای تامین هدف اول یک سیستم طبقه‌بندی در نظر گرفته شد که از سوی دیگر آژانس‌های بین‌المللی به کار گرفته می‌شده است این سیستم واکنش‌های دولتی را به چهار دسته عمده تقسیم می‌کند:

- ۱ - مداخله در بازار به منظور محدود ساختن افزایش قیمت مواد غذایی
- ۲ - مداخله در بازار به منظور کنترل تورم
- ۳ - کمک به مصرف‌کننده از طریق شبکه‌های بهداشتی
- ۴ - حمایت از تولیدکننده

برای تامین هدف دوم نیز توسعه در روندهای تجارت، جا به جایی قیمت‌ها، تورم، مصرف و تولید مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند. در این بررسی سه دسته از غلات شامل گندم، ذرت و برنج و نیز یک

دسته از دانه‌های روغنی یعنی سویا مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج حاصل نشان‌دهنده آن بود که از ده کشور مورد مطالعه هشت کشور، آن دسته سیاست‌هایی را اتخاذ کردند که به طور مستقیم بر قیمت‌ها تاثیر می‌گذارند یا عرضه کالاهای کشاورزی را به منظور محدود سازی رشد قیمت آن‌ها افزایش می‌دهند. تنها دو کشور شیلی و آفریقای جنوبی از این امر تبعیت نکردند. برزیل، چین، هند، اندونزی، روسیه و ویتنام همگی یا تعرفه‌های مربوط به کالاهای خاص مورد نظر خود را کاهش دادند یا آن‌ها را به طور کامل حذف نمودند، البته برخی از این تعرفه‌ها تا انتهای سال ۲۰۰۹ باقی ماندند. آرژانتین، چین، هند، اندونزی، روسیه و ویتنام یا سیاست مالیات بر صادرات را اعمال نموده و یا آن میزان مالیات‌های قبلی را بالا بردند و یا محرک‌های قیمتی صادرات را کاهش دادند. با این همه باید در نظر داشت که عمده سیاست‌های اتخاذ شده و مداخلات کوتاه مدت از سوی این کشورها در جهت تقویت سیاست‌های قبلی بوده تا اخذ سیاست‌های جدید. اگر هم سیاست جدیدی اخذ شده احتمالاً اعمال‌کننده محدودیت‌هایی برای صادرات بوده است. در مجموع می‌توان اذعان داشت که سیاست‌های کوتاه مدت در پیش گرفته شده در جهت و در راستای سیاست‌های بلند مدت بوده است و نه نافی آن‌ها. از نقطه نظر درآمدهای مالی در سال ۲۰۰۸ تنها در آرژانتین میزان درآمد به میزان یک دهم درصد از میزان هزینه‌ها بالاتر

بوده و در بقیه کشورها افزایش در هزینه کردها بیشتر از میزان درآمدها بوده است. تفاوت میان درآمد و هزینه کرد از یک دهم درصد در شیلی تا ۱۹ صدم درصد در هند متفاوت می باشد که البته در بیشتر کشورها این تفاوت بین ۰/۵ تا ۲/۵ - درصد بوده است. در سال ۲۰۰۸ میزان هزینه کردها برای شبکه های بهداشتی از مهمترین واکنش های سیاستی بوده که از سوی برزیل، شیلی و آفریقای جنوبی اخذ شده است. مداخلات بازاری نیز برای آرژانتین و ویتنام مهم بوده اند. در بطن واکنش های سیاستی کشورهای چین، هند، اندونزی، روسیه و اکراین، سیاست های حمایت از تولید کننده بر اعتبارات مالی حاکم بوده است.

تفاوت میان کشورها در نوع، زمانبندی اجرایی، و حدود و دامنه این سیاست ها بر اساس درآمد ملی آنان، سطح و توزیع فقر، سهم هزینه کردها برای مواد غذایی، سهم کشاورزی از GDP و اشتغال، چهارچوب سیاست های پیشین و ظرفیت های مالی استوار بوده است. این واکنش های سیاستی خود از سوی برخی عوامل دیگر تحت تاثیر بودند، عواملی از قبیل سیستم های سیاسی، تجارب تاریخی، ظرفیت های قانونی موجود و غیره. برای مثال در چهار کشور آسیایی مورد بحث، اهمیت بالای مواد غذایی در مصارف خانگی و سهم قابل توجه کشاورزی در این میان توجیه کننده تلاش های مضاعف برای حمایت از مصرف کننده در برابر افزایش قیمت ها و حمایت از تولید کننده به واسطه بالا بردن میزان یارانه نهاده ها و کاهش قیمت خرید است. توان مالی دولت های برزیل و شیلی و آفریقای جنوبی در جبران هزینه های مصرف کنندگان در افزایش قیمت ها بالا بود و تمرکز و محور اصلی سیاست های اتخاذ شده آنان متوجه حمایت های مستقیم از مصرف کننده بوده است.

از نقطه نظر تاثیر سیاست ها بر روند تجارت، تمرکز این مقاله بر تاثیر محدودیت های صادراتی بوده است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که محدودیت های وارده از سوی اوکراین (سهمیه صادرات)، هند (ممنوعیت صادرات، تعیین کمینه قیمت صادرات و مالیات بر صادرات)، و چین (ترکیبی از سهمیه ها، مالیات بر صادرات و کاهش تخفیفات صادراتی) تاثیری چشمگیر بر محدود سازی حجم صادرات کالاهای اشاره شده در این تحقیق داشته است.

میزان کشش جا به جایی قیمت ها مورد استفاده قرار گرفت تا مشخص گردد به چه میزان واکنش های سیاستی قادر بودند بازارهای عمده فروشی محلی را از توسعه قیمت بین المللی کالاها مصون بدارند. افزایش نرخ پول رایج به همراه افزایش نرخ دلار آمریکا تحت شرایط واقعی در طول دوره بحران اقتصادی مانع از افزایش قیمت جهانی معادل های پول رایج داخلی در ده کشور گردید و فقط آفریقای جنوبی از این امر مستثنی بود.

سیاست های اخذ شده. تاثیرات و پیامدهای آن ها (آرژانتین):

سیاست ها = افزایش نرخ مالیات بر صادرات، حفظ محدودیت های کمی صادرات غلات و سویا، درآمد بیشتر حاصل از افزایش مالیات های صادراتی جهت ارائه یارانه به فرآوران مواد غذایی به منظور کاهش قیمت مصرف کننده

تاثیرات = مصون داشتن بازار داخلی از تغییرات جهانی قیمت ها برای غلات. محدود شدن جریانات تجاری به سطوح تاریخی (historical level).

پیامدها = سیاست ها توانستند قیمت های داخلی را برای غلات با هزینه های اعتباری اندک نسبتاً پائین نگه داشته و بدین ترتیب توانستند از مصرف کننده

حمایت نمایند لیکن موجب افزایش فشار بر تولید کننده ها شدند و همچنین این امر به بهای کاهش تولید تمام شد. یارانه های ارائه شده به فرآوران نیز به سود مصرف کننده تمام گردید لیکن نه همه آن مصرف کنندگانی که بیشترین صدمه را در این خصوص متحمل شده بودند.

(برزیل):

سیاست ها = افزایش هزینه کردهای هدفمند به واسطه برنامه Bolsa Familia (از برنامه های رفاهی دولت برزیل که شامل ارائه کمک های مالی و اعتباری به خانواده های فقیر است)، ایجاد خط جدیدی از اعتبارات برای تولیدکننده نظیر برنامه غذای بیشتر، اعمال برخی محدودیت ها برای تعرفه واردات و اعمال دیگر عوارض و مالیات ها.

تاثیرات = سطح بالای جا به جایی قیمت ها به بازارهای داخلی.

پیامدها = آسیب پذیرترین اقشار مردم شامل مصرف کننده و تولید کننده با سطح بالاتری از اعتبار مورد حمایت قرار گرفته و به تولید کنندگان فرصتی برای افزایش تولید داده شد.

(شیلی):

سیاست ها = افزایش اختصاصی پرداخت به مصرف کنندگان فقیر.

تاثیرات = سطح بالای جا به جایی قیمت ها، شرایط داخلی سخت زمستان با افزایش قیمت های جهانی در هم آمیخت که منجر به افزایش نسبتاً زیاد قیمت مواد غذایی شد.

پیامدها = بار تحمل قیمت ها بر دوش مصرف کننده افتاد که بخشی از راه کمک های هدفمند به فقرا تامین گردید، هزینه های اعتباری خیلی پائین آمد، تولید کنندگان از افزایش بالاتر قیمت ها بهره بردند.

(چین):

سیاست ها = گشودن درب انبارها و ذخایر دولتی،

تعلیق بازپرداخت مالیات بر ارزش افزوده صادرات، اعمال مالیات بر صادرات، حجم محدود صادرات، افزایش یارانه های نهاده ها، اعمال محدودیت قیمت برای عمده فروشان و خرده فروشان.

تاثیرات = مصون ماندن نسبی بازار داخلی غلات از افزایش قیمت ها، افزایش قیمت ها به واسطه عوامل داخلی نظیر شرایط آب و هوایی و شیوع بیماری ها، گسترش تولید غلات به خاطر افزایش یارانه ها.

پیامدها = مصرف کننده ها از قیمت های نسبتاً پائین و ثابت منتفع شدند اما تولید کنندگان با مالیات مواجه گردیدند، مالیات تولیدکنندگان به واسطه ارائه یارانه نهاده ها تا حدودی جبران گشت.

(هند):

سیاست ها = محدودیت صادرات را اعمال نمود و مالیات بر صادرات را تصویب کرد، کمینه قیمت خرید را افزایش داد اما قیمت ترخیص کالا را ثابت نگاه داشت، یارانه مربوط به نهاده ی کود را افزایش داد.

تاثیرات = مصون ماندن بازار داخلی غلات از تغییرات جهانی قیمت ها، افزایش تولید به واسطه افزایش حمایت از نهاده ها و ستانده ها، افزایش ذخایر.

پیامدها = مصرف کنندگان از قیمت های پائین و ثابت برخوردار شدند، تولیدکنندگان از یارانه های مربوط به نهاده ها منتفع شدند. مالیات زیادی بر مالیات دهندگان وارد شد که معادل ۱۹ درصد هزینه کردهای دولت را تشکیل می داد.

(اندونزی):

سیاست ها = ذخایر خود را آزاد کرد، تعرفه های واردات را کاهش داد، سطح توزیع برنج و روغن خوراکی یارانه ای را بالا برد، مالیات بر صادرات و قیمت پایه صادرات روغن پالم تصفیه نشده را افزایش داد، یارانه های مربوط به کود و قیمت خرید مرجع را افزایش داد.

تاثیرات = مصون ماندن بازار سویا و برنج داخلی از افزایش قیمت های جهانی، افزایش تولید به واسطه ارائه یارانه های مربوط به نهاده ها.

پیامدها = سیاست های تجاری به سود مصرف کننده تمام شدند، اما تولید کنندگان را وادار به پرداخت مالیات نمود، با افزایش قیمت خرید مرجع و یارانه مربوط به کود بخشی از هزینه کردهای تولیدکنندگان جبران شد، هزینه هایی به مالیات دهندگان تحمیل شد که علت آن افزایش هزینه کردها برای یارانه های غذا و تولید مواد غذایی بوده است.

(روسیه):

سیاست ها = این کشور ذخایر و انبارهای دولتی را آزاد نمود، مالیات بر صادرات گندم و جو را اعمال کرد، تعرفه واردات را برای دامنه وسیعی از مواد غذایی بالا برد، کنترل قیمت ها برای مواد غذایی اصلی را افزایش داد، قیمت های مداخله ای را به منظور جبران سطح ذخایر افزایش داد.

تاثیرات = زمان بندی صادرات کالاها با مشکل مواجه گردید، تاثیر اندک و ضعیفی بر جا به جایی قیمت ها وارد آمد، افزایش وسیعی در تولید در واکنش به قیمت های بالا و شرایط آب و هوایی مناسب شکل گرفت.

پیامدها = مصرف کنندگان از افزایش قیمت ها در امان نماندند، تولیدکنندگان از توسعه بازارها منتفع شدند.

(آفریقای جنوبی):

سیاست ها = دولت این کشور به طور چشمگیری هزینه کردهای مربوط به امتیازات و وام های اجتماعی را افزایش داد، حمایت از تولیدکنندگان خرد را بیشتر کرد.

تاثیرات = سطح جا به جایی قیمت ها بالا رفت و نرخ نسبتاً بالایی برای قیمت مواد غذایی شکل گرفت.

پیامدها = هزینه ها بر مالیات دهندگان تحمیل شد و نیز بر مصرف کنندگانی که واجد شرایط دریافت اعانه های دولتی و کمک های اجتماعی نبودند، مصرف کنندگان با درآمد پائین از راه افزایش مزایای اجتماعی مورد حمایت قرار گرفتند.

(اوکراین):

سیاست ها = اعمال سهمیه صادرات برای غلات و اعمال محدودیت در افزایش قیمت مصرف کننده، افزایش کمینه قیمت خرید.

تاثیرات = صادرات محدود گردید لیکن بازار داخلی از افزایش قیمت ها در امان ماند.

پیامدها = قیمت ها برای مصرف کننده بالا رفت، تولیدکنندگان از منتفع شدن از شرایط افزایش جهانی قیمت ها محروم شدند و هزینه اعتبارات محدود گشت.

(ویتنام):

سیاست ها = محدودیت هایی برای کنترل حجم و ارزش صادرات برنج اعمال گشت، تعرفه واردات برای دامنه وسیعی از کالاها کاهش پیدا کرد.

تاثیرات = ساست های اتخاذ شده در مصون داشتن بازار داخلی برنج از افزایش جهانی قیمت ها موفق نبودند نرخ نسبتاً بالای افزایش قیمت مواد غذایی سبب شد تا قیمت برنج هم بالا برود.

پیامدها = به واسطه افزایش قیمت ها هزینه هایی به مصرف کننده ها وارد آمد، رشد سریع GDP به مصرف کنندگان کمک کرد تا توان مقابله با افزایش قیمت مواد غذایی را بیابند.

تهیه کننده: احسان عباسلو

**کمیته تخصصی ترجمه، مدیریت پردازش یافته های تحقیقاتی،
موسسه پژوهشهای برنامه ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه
روستایی.**